

که نوروز است يك تجويدارش  
بمسجد جای زاهد در بهشت است  
مؤذن بر سر گلدسته غوغا  
جو می معشوق رنگ اردلبری هست

بسامانی است سلطان بهارش  
هوایش بسکه روحانی سرشتست  
زجوش عندلیبان دارد آنجا  
در آنجا نیست غم را بر کسی دست



در زمانی که دست روزگار تاج سلطنت فارس را از تارك خوانین زند  
برداشته و برفرق شاهان قاجار نهاد، بحکم آغامحمدخان، نخستین پادشاه خونیروز  
وقسی القلب آن سلسله، بنای محکم و قلعه و باروی کریم خانی را که حصاری  
منیع و دیواری رفیع بود، خراب و ویران کردند؛ و خندق عمیق آن را از خاک  
انباشتند. فتحعلی خان صبای کاشانی ملك الشعرا (وفات ۱۲۳۸ هـ. ق) که خود  
شاهد و ناظر آن منظره غم انگیز بوده است، سوز درونی خویش را از این  
تباهکاری هائل بيك رباعی تسکین داده که چون نفثه سینه مصدوران و آه دل مهجوران  
پرسوز و گداز است:

با شهد طرب زهر در آمیخت دریغ  
شیراز شیراز بهم ربخت دریغ

گردون بزمانه خاک غم بیخت دریغ  
از کینه دور فلک جور سرشت



بزرگترین استاد سخنوران سده سیزدهم، میرزا حبیب قاآنی (وفات ۱۲۷۰ هـ. ق) است که خود زاییده همان شهر شهیر و یکی از مفاخر گویندگان فارسی  
زبانست. وی در دو منظومه غرّا از موطن خود وصفی شیوا کرده و مدحی بسزا  
گفته است. در یکی میگوید:

که می بیند چون آن دیار، يك دیار  
ندیده دیده بینا حنان خجسته دیار  
هوای او، همه خرم تر از هوای بهار  
زهرچه وهم تفکر کند، در او بسیار ...

تبارك الله از فارس، آن خجسته دیار  
بزیر قبه گردون، بروی رقعۀ خاک  
نسیم او، همه دلکش تر از نسیم بهشت  
زهرچه عقل تصور کند، در او موجود

در طی این قصیده فصیح و بدیع از اصناف حرف و صنایع و انواع علوم و فنون  
رایج در بلده شیراز سخن ساز کرده است و هم چنین رجال و امرای معاصر خود را  
نام برده. در قصیده دیگری گفته است:

گفتند ازین بیش بهم بیهده گویان :  
 هر کس که به شیراز در آید ز پی جنگ  
 زین مست طرب پیشه نازک دل عباس  
 در پارس نه جز تنگ قماش و شکر آید  
 گویی بمثل بر سر کنج کهر آید  
 کی سختی ارباب و غا در نظر آید..؟

چنانکه مشاهده میشود، بعضی از شعرا از هوای دل انگیز و فضای نزهت آور شیراز سخن گفته و بعضی دیگر کمالات و فضائل معنوی مردم آن را وصف کرده جمعی دیگر از صنایع و حرف و یا آثار قدیمه و مآثر تاریخی صحبت نموده اند.

در آن میان حاجی میرزا احمد نقیب الممالک ، هم از شعراء اواخر قرن سیزدهم ( متوفی ۱۳۰۲ هـ ) از سه دره نزهت انگیز و دامنه جبال اطراف شیراز، که هر سه شکارگاهی عالی و نظراندازی ممتاز دارند ، در قصائد بدیع و متکلف در مدح شاهزاده ممدوح خود تغزل کرده و در دو قافیه و بحر مشکل با صنعت اعنات رنج بسیار برده و استادانه دری شاهوار سفته است . در یکی بوصف کوه بمو سه فرسخی شمال شیراز میگوید :

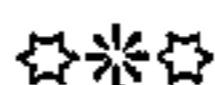
ای صبا گریبگذری بر ساحت کوه بمو  
 نرم نرمک ، آهوان دشت را فرمای رام  
 هم سلام از من با هو بر، که « اقبل یا حسب »  
 دم غنیمت دان ، بچم در آن فضای خرمو  
 اندک اندک، ده پلنگان را ز کوهستان رمو  
 هم پیام از من بخالوده، که « بگریزای عمو »

و در دومی، از شکارگاه قریه بزین در دوسه فرسخی مغرب شیراز وصف کرده است:

چون شد از بالای والا، باغ سروستان بزین  
 بر سر تلها سرادقها ، طناب اندر طناب  
 شد بزین از موکب والامزین زین بزین !  
 خیمه والا در آن بالا « کطود من لجین »

و در سومی در وصف کوه « پیر بن آب » که چشمه ساری است به دو فرسخی جنوب شرقی شیراز و گویند مدفن شیخ اقطع ( مذکور در مثنوی مولوی ) در آنجاست ، و آن را بلهجه شیرازی « پیر بنو » گویند (۱) . نقیب گوید :

موکب ظل همایون ، میرود پیر بنو  
 در رکابش ای قمر تابنده یی ، تابنده باش  
 چون لم ول اولو، اراوتش نوی هنگام جود  
 دشت پر نخجیر شد، تازی بکیر، آهوبدو  
 زیر رانش ای فرس، تازنده یی تازنده شو  
 هم الم ازوی گریزد، هم غلا وهم غلو...



(۱) ضمن صفحات ۸۱ و ۸۲ کتاب درباره مقبره شیخ اقطع یا پیر بناب توضیحاتی ذکر

اما در آثار سخن‌گویان اروپایی نیز کما بیش اشعاری بنظر می‌آید که صرف نظر از ذکر آنها نتوان کرد :

از جمله در عصر صفویّه قدیمترین شعر انگلیسی که در وصف شیراز بنظر رسیده قطعه‌ای است که سرطماس هربرت Sir. Th. Herbert در وداع شیراز می‌سراید، در زمانی که سفیر انگلیس از طرف شارل اول پادشاه انگلیس از راه بندرعباس (گامرون) و لار به شیراز آمده و ۲۶ روز در ایام نوروز ۱۶۲۸ م. در آنجا مانده و میهمان امام قلیخان حکمران فارس بوده است. سرطماس نیز جزو آن سفارت بوده و سفرنامه جالبی بجای گذاشته است که در فوق بدان اشاره شد. قطعه او بدین ترتیب شروع میشود :

Why should our wits dispute where Eden stood?

و باین بیت لطیف ختم میگردد :

Farewell sweet place, as from thee I went,  
My thoughts did run on Adam's banishment.

در آثار شاعر ایرلندی طماس مور Thomas Moore (۱۸۵۲-۱۷۷۹ م.) نیز منظومه لطیفی دیده میشود که در کنار رود کر و بندامیر معروف شیراز سروده است و منظومه خود را بعنوان «لاله رخ Lalla Rookh» موسوم ساخته و در آن از باغی پر از گل و بلبل سخن میگوید. در بند اول آن گوید :

There's a bower of roses by Bandemeer's stream  
And the nightingale sings round it, all the long,  
In the time of my childhood, it was like a dream  
To sit in the roses and hear the birds song...

ادوارد براون E. G. Browne عالم مستشرق ایران شناس معروف در ترجمه

نغزی که از غزل حافظ بمطلع :

خوشاشیراز و وضع بیمتالش خداوندا نگهدار از زوالش

در سفرنامه خود (سالی در میان ایرانیان) سروده است، چنین میگوید :

Sweet is Shiraz and its incomparable site;  
O God preserve it from decline....

و نیز در ترجمه بیت سعدی :

خوشا تفرج نوروز خاصه در شیراز  
که بر کند دل مردمسافر از وطنش

در کتاب تاریخ ادبی ایران جلد دوم چنین می سراید :

O joyous and gay is the New-year's day and in Shiraz most of all,  
Even the stranger forgets his home and becomes its thrall



در میان معاصران ما (قرن چهاردهم هجری) استاد بزرگ و ادیب بزرگوار سید احمد پیشاوری (متوفی ۱۳۴۹ ه. ق) که از اجله ائمه ادب در عصر حاضر بود، در مثنوی موسوم به «قیصرنامه» شاهکار معروف خود که در اوان جنگ اول جهانی سروده است، درستایش از دلیران و وطن پرستان پارس ابیات بسیار بیحرف تقارب میفرماید که از آن جمله است :

نثار آورم پارسی زاده را .  
به شیراز در سال و مه سور باد !  
صدف از هوا گو کهر بار شو ،  
هزار آفرین بردلیران پارس !  
یکی هاشمی قنبر پارسم ،  
همیدون بزی شادمان سال دیر !  
تویی پاسبان هم برین مرز و خاک ،  
دم عیسوی ، باد صحرات باد ،  
که شیران لشکر شکن پروری ،  
کلاه شما باد بهرام سای ،  
رخ ماه و مینو بیپراستم ...

زدریا و کان ، لعل و بیجاده را  
رخ پارسی زاده پرنور باد  
تو ای ابر نیسان صدف زار شو  
کهر بار برفرق شیران پارس  
ثنا گستر کشور پارسم  
تویی یادگار از جهم و اردشیر  
تویی یادگار از نیاکان پاک  
کف موسوی ، خاک بیضات باد  
همه خاک ایران تن و ، تو سری  
چو شد از شما کاخ غیرت بیای  
ز نعت شما زیور آراستم

در دیوان سرآمد سخن سرایان اوائل قرن چهاردهم، مرحوم امیری ادیب-  
الممالک قراهانی (متوفی ۱۳۳۶ ه. ق) ، قطعه زیبایی است در وصف بازار گاد ،  
که آن را پارساگرد خوانده است ، و قبر کورش شاهنشاه هخامنشی را  
به «رواق مثلث» تعبیر کرده ، از نقل آن نمیتوان گذشت میفرماید :

بگرد پارس حصار ز پارساگرد است  
که عشق آنجا استاد و ، عقل شاگرد است

در آن رواق مثلث بروزگار دراز  
بهشت را نستانم بگردی از ره فارس

گروهی از خرد و هوش و جان و دل گرداست  
که فارس معدن یاقوت و کان گوگرداست

خاتم شعراء مکتب باستانی و نوکل بوستان سخندانی، مرحوم **ملك الشعراء محمد تقی بهار خراسانی** که قرن ما بوجود مسعود او مفتخر است، در وصف شیراز منظوماتی چند دارد که از هر يك برای زینت این مقال بیتی چند نقل میکنیم. از جمله درغزلی لطیف، از ری یاد شیراز میکند و میگوید:

«بود آیا که دگر بار به شیراز رسم؟  
بود آیا که ز ری راه **صفاهان** کیرم  
خیزم از جای و، بدان شهر طرب خیز شوم  
بملاقات گرامی ادبائی که بود  
هست رازی ازلی در دل **شیراز** نهان  
بر سر مرقد **سعدی** که مقام سعداست  
همت از تربت **حافظ** طلبم، وز مددش  
بود آیا که ازین تنگ قفس نیم نفس  
حافظا بنده رندان جهانست **بهار**  
مرغکی نازه پر، زیر پرم گیر بمهر

بار دیگر بمراد دل خود باز رسم  
از **صفاهان** بطربخانه شیراز رسم  
تازم از شوق و، بدان خطه ممتاز رسم  
جمله را قول و غزل تالی اعجاز رسم  
خرم آن روز که من بردل آن راز رسم  
بسته دست ادب و، جبهه قدم ساز رسم  
مست و مستانه بخلوت که اعزاز رسم  
بیر صحبت مرغان خوش آواز رسم  
همتی تا بیکی خواجه دم ساز رسم  
تا بقیض پر و بال تو بپرواز رسم

سپس، بعد از آنکه به شیراز می رسد، منظومه‌یی ببحر متقارب بنام **هدیه شیراز** ارمغان می آورد و آن اشعار در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی سروده شده است:

بماناد **شیراز** نغز و هزیر  
بباغ اندرش، آب همچون کلاب  
جو فردوس باد آن خجسته دیار  
ز خفتنکه **حافظ** و **سعدیش**  
بر و بومش، از کشت خالی مباد  
بزرگانش را، روی پستی مباد  
سخن گسترانش، ز محنت بری  
جوانانش، پیوسته مست نشاط  
مدد کارشان سعی و امید باد  
تهی باد از استمگران شهرشان

برامش درون جمله برنا و پیر  
بکوی اندرش، خاک چون مشک ناب  
« نه سرد و نه گرم و همیشه بهار »  
روان فیض تا **مسجد** **بوردیش**  
ملخ خواری و خشکسالی مباد (۱)  
گریمانش را، تنگدستی مباد  
همه روزه، گرم سخن گستری  
فکنده بچشن و برامش بساط  
روانشان زغم رسته جاوید باد  
ز داد و دهش سال و مه بهرشان

۱- داریوش بزرگ نیز در سنگ نبشته دیوار جنوبی صفا تخت جمشید چنین آورده است که:  
«اهورمزدا این کشور را (اشاره به پارس است) از دشمن و خشکسالی و دروغ محفوظ دارد.» م



ز خرد و بزرگش بلا دور باد      بهر خانه‌یی مجلس سور باد

بعد از آن در قصیده‌ی غرّا بسبک سخن سراپایان خراسان ، شیراز مینو  
طراز را مدح فرموده و چنین سروده است :

شد پارس یکی حلقه کزین      در حلقه انکشتی پارس  
از سبزه شاداب و سرخ گل      هرگز بیک انکشتی که دید  
زی بقعت کوهی (۱) یکی برای      بر ساحت بردیش (۲) بر سلام  
وز چشمه رکنیش (۳) نوش کن      بگذر سحری زی سه آسیاب (۴)  
کز عکس گل و لاله و سمن      زی مسجد ویران عمرو و لیث (۵)  
قرآن کده اش را درون صحن      زی مدفن سعدی بسر خرام  
یا سرخی اشک و سواد عین      ز آنجا بسوی حافظیه شو  
و آن خاک بسر کن ، که ای درینغ      زی تربت خواجو (۶) بر آی هان  
بر مرقد بسحق (۸) کن گذر      بر خواجه دهدار (۹) ده درود

شیراز بر آن حلقه چون نکین  
شیراز بود گوهری ثمین  
که یاقوتین و ، که زمردین  
یا قوت و زمرد چنین قرین  
کان بقعه بهشتی بود برین  
کان بر دو سلامی است دلنشین  
تا شکر نوشی بر انگبین  
و آنجا به که خور بر آ بین  
شرمنده بر آید خور از زمین  
بگرای و بنه بر درش جبین  
با دیده قرآن شناس بین  
و ندر بن آن پله بر نشین  
بنویس که راه دل است این  
زان خطه کفی خاک بر گزین  
کو حافظ و آن طبع نازنین  
بر مدفن اهلی (۷) ، بنال هین  
ریزه هنر از خوان او بچین  
همت طلب از خاک آن زمین

نباید از سخنانی که نادره سنجان شیرین بیان معاصر شیرازی درین عصر  
بشای موطن خود در مقام مفاخره یا در توصیف سروده‌اند غافل نشست . آنچه  
خاندان وصال ، که هر یک گوهری در دریای کمالند ، سروده‌اند و آنچه دو مورخ  
شهر شیراز که هر دو شاعری گرانمایه بوده‌اند یعنی فسایی و فرصت در دو

۱- بقعه کوهی اشاره به قبر بابای کوهی در کوه شمالی شیراز . ۲- مسجد بردی یا قصر الدشت  
باغستان مغرب شیراز . ۳- آب رکناباد ، ۴- آسیاب سه تائی در کنار کوه شمالی از تفرجگاههای  
شیراز که فعلاً از میان رفته است . ۵- جامع عتیق شیراز : بنای عمرو لیث صفاری و بیت القرآن  
در وسط آن بنای مربعی است که مرمت و تعمیر بسزا یافته . ۶- قبر خواجوی کرمانی در  
تنگ الله اکبر شیراز است . ۷- قبر اهلی در جوار حافظ است . ۸- مرقد بسحق اطعمه در تکیه  
چهل تنان است . ۹- خواجه محمود دهدار ، از عرفاء عظام مدفون به درب سلم شیراز است .

کتاب نفیس خود **فارسنامه و آثار العجم** بیان فرموده‌اند، بسیار است و از نقل آنها سخن بدرازا می‌کشد. از آن میان بدو نمونه اکتفا میشود:

نخست چند بیتی از غزل بدیع و فنی و پر صنعت استاد شاعران شیراز در اوائل سده چهاردهم، یعنی **فصیح‌الملک محمد تقی شوریده** می‌آوریم، آنجا که میگوید:

آن پریر و از درم روزی فراز آید، نیاید  
از هوای خطه **ری**، وز نهاد مردم وی  
من همی خواهم که عمر رفته باز آید، نیاید  
بویی از شیر **افعلین** طراز آید نیاید.. الخ

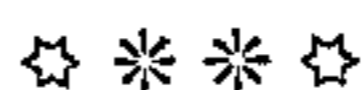
دوم قصیده **غزائی** است که **مرحوم میرزا روحانی بن یزدانی بن وصال** سروده میگوید:

خوشا شهر شیراز و فرخ دیارش  
تو گویی بگسترده فرش زمرد  
ببر کرده نارنج بن سبز جامه  
بدانسان که گفتند گویی مسافر  
بود خاک او، مهد دانش پژوهان  
نهان گشته هر یک چو کنجی بکنجی  
چو در عجز، **روحانی** آمد ز وصفش  
همان به که از پاک یزدان بخواهد  
کزو ملک ایران بود افتخارش  
بدست طبیعت همه سبزه زارش  
ز کف تا بساعد همه زرنگارش  
بنوروز دل بر کند از دیارش  
بهر گوشه دانشوری در کنارش  
برون است هر گنج، از زخم مارش  
که تا بر شمارد یکی از هزارش  
که همواره آباد ماند دیارش

**آقای احمد حشمت زاده شیرازی**، استاد شعر معاصر، قصیده‌ی **غزّا** در ثنای **فارس** ساخته‌اند که مطلع و مقطع آن اینست:

جان پرور است و دلکش، آب و هوای **فارس**  
کلزار خلد نیست بروح و صفای **فارس**  
از خاک **فارس** دور بلاهای آسمان  
آید بجان دشمن ایران بالای **فارس**

و بدین دوبیت در نقل اقوال سخن سرایان ختم مقال میکنیم.



این بود شرحی مختصر از اشارات و تلویحاتی از کلمات بزرگان که در باب **فارس** بالاخص شهر شیراز هر یک بزبانی سخن گفته‌اند و در اینجا بطور اختصار

گرد آمد . باشد که خوانندگان را رهبری نماید و اگر خواهند خود بمنابع و مصادر بتفصیل مراجعه توانند فرمود .

اینک بحمدالله در پایان این فهرست پرافتخار نام نویسنده نامور اقلیم پارس ثبت گردیده و این یادگار خیر از آن دانشمند باستانشناس بجای مانده است . از خداوندگار بزرگ توفیق و نیکبختی و برکت برای مؤلف و ناشر و خواننده مسألت دارد .

بنده در گاه بی نیازی

**علی اصغر حکمت شیرازی**

تهران - اردی بهشت ۱۳۴۳



مادّة تاریخ کتاب : اثر طبع لطف و عنایت آمیز  
دانشمند گرامی استاد جلال الدین همایی  
متخلص به سنا

## هواکش

در ظل رهبری شهنشاه دین پناه	کز عدل او شد استنباطی ستم خراب
وان «انجمن» که حامی آثار ملی است	اعضایش منتخب ز جنابان مشطاب
خاصه رئیس هیئت اجرایی انجمن	کورابجاہ ورتبه «سپهبد» بود خطاب
هم در صفای خلق بود نامور لفظیر	هم در وفور فضل بود کامل النصاب
سید تقی مصطفوی فاضل جلیل	کز وقت زمانه بود فردا شخاب
گنجی پدید کرد از آثار باستان	باز حمت فراوان با رخ بی حساب
نو کرد روزگار کهن اچنانکه بان	ملکت کهن گرفت ز نور و توق شباب
پروخت این کتاب که تعلیم ماریا	سر زنده کرد و بچو گل از ریزش سحاب
بزرگتیمی که بود در این نامه درج کرد	چونانکه باز بینی خویش فضل و باب
با دست جهد نیروی توفیق کرد گام	شد در ظهور این اثر نقر کا میاب

ارمی اگر نه آب تو فوق حق خورد	جهد بشمر نباشد جز لمعه سراسر
تأیید کرد و کار نباشد اگر بکار	بذیر سست آید و اندیشه ماصوا
در گنج نامه ها که نوشتند فاضلان	« اقلیم پاریس » هست بقیه حوزنا
دعوی میکنند که در اینج مثل نیست	لیکن نظیر اوست در ایندوره ویریا
باری حو طبع کشت کتابی چنین عزیز	کا اقلیم پاریس را بفرزده است قدر
وز جمله گاه طبع بشا طکی جهد	این نوعروس زیبا بیرون شد از حجاب
و بیایچه اش ز خانه حکمت بگریز	چونما که تاج شاهان از لولو خوشا

تاریخ آن شمسی بجزی « سنا » نوشت  
 « اقلیم پاریس و اند قد چنین کتاب »  
 ۱۳۴۳

## تذکار

چاپ مقدمه شیوا و جامعی که در صفحات گذشته از نظر خوانندگان ارجمند گذشت و مراحم و عنایات سرور بزرگوار جناب آقای علی اصغر حکمت را در باره نگارنده نیز مشتمل بود، و در دنباله آن، درج اشعار لطیف و نغز دانشمند گرانمایه استاد جلال الدین همایی، حاوی ماده تاریخ کتاب و ابراز لطف استاد نسبت به مؤلف آن، هنگامی پایان رسید که انجمن آثار ملی شخصیت عالی قدری از بنیان گذاران، و رئیس عالی قدر و محبوب پیشین هیأت مؤسسان خود - شادروان حسین علاء - را از دست داده بود.

این عنصر پاک نهاد و دانشمند بلند مرتبت که از نخستین بنیان گذاران انجمن آثار ملی بود، کمی پس از درگذشت رئیس پیشین هیأت مؤسسان انجمن مزبور یعنی شادروان صادق صادق - مستشار الدوله - (که در تاریخ ۱۶ آذرماه ۱۳۳۱ اتفاق افتاد) در تاریخ یکشنبه سوم اسفندماه ۱۳۳۱ به جانشینی آن فقید سعید به سمت ریاست هیأت مؤسسان برگزیده شد و تا واپسین روز زندگی ثمر بخش خویش (یکشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۴۳) با نهایت علاقه و اخلاص در سمت مزبور کوشش قابل ستایش و مداوم خود را در راه هدفهای مقدس آن انجمن بکاربرد. **رحمه الله رحمة واسعة** بس از رخت بر بستن آن شخصیت شریف به جهان جاودانی، در جلسه هیأت مؤسسان مورخ سه شنبه ۱۷ شهریورماه ۱۳۴۳ بنا بر پیشنهاد تیمسار سپهبد فرج الله آق اولی، ریاست محترم هیأت مدیره انجمن، جناب آقای علی اصغر حکمت با اتفاق آراء بر ریاست هیأت مؤسسان انتخاب گشتند با در نظر گرفتن اینکه جناب آقای حکمت نیز علاوه بر آنکه از بنیان گذاران اصلی انجمن آثار ملی بشمار میروند، ساختمان بنای موزه ایران باستان و تأسیس اداره کل باستان شناسی (بر مبنای قانون عتیقات مصوب ۱۲ آبان ۱۳۰۹ و آیین نامه آن مصوب ۲۸ آبان ۱۳۱۱) و چاپ و انتشار مجلدات آثار ایران (نشریه رسمی پیشین اداره کل باستان شناسی) واحداث بنای آرامگاه خواجه شمس الدین محمد حافظ و تأمین اعتبارات مرتب سالیانه جهت تعمیر ابنیه تاریخی برای نخستین بار (طبق قانون اوقاف مصوب سوم دیماه ۱۳۱۳ و آیین نامه همان قانون مصوب سیزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۴) و بسیاری خدمات ارزنده و اساسی دیگر در باره آثار تاریخی گرانقدر ایران در هنگام وزارت فرهنگ ایشان صورت گرفته است و از وضع مساعدی که در دوران سلطنت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر جهت چنین امور و هر گونه خدمات مختلف فرهنگی و غیر آن در راه ملک و ملت فراهم بود جدا کثر استفاده را فرموده اند، و پس از آنهم در اجرای منویات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، و با استظهار به عنایات مداوم ملوکانه نسبت بدینگونه

خدمات، احداث آرامگاه و مجسمه شیخ اجل سعدی و بنای آرامگاه شیخ الرئیس ابوعلی سینا و مجسمه او و برگزاری جشن هزاره آن حکیم بزرگ در زمان ریاست هیأت مدیره انجمن آثار ملی معظم له انجام پذیرفته است، بخوبی درك میشود که پیشنهاد تیمسار سپهبد آق اولی و حسن قبول کلیه اعضاء هیأت مؤسسان چه نیکومبین حس قدر شناسی و ارج گذاری بزرگان قوم نسبت به حق خدمت سابقان و پیش کسوتان تواند بود . و بدین ترتیب ، هنگام پایان چاپ کتاب ، مقدمه آن بزیر خامه ریاست محترم هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی آراسته گشته است .

نام اعضاء هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی که عملاً و بطور افتخاری در راه هدفهای آن انجمن بدلاهمت میفرمایند بااطلاعات دیگری درباره انجمن مربوطی صفحات سی، و سی و یک دیباچه کتاب ذکر گردیده است و بدین لحاظ، به آرزوی توفیق بیشتر در راه چنین خدمات مقدس، توضیح در این باره را پایان میبخشد .

مهر ماه ۱۳۴۳  
سید محمد تقی مصطفوی

### بنام خدای بی‌همتا

هر که نه گویای تو، خاموش به هر چه نه یاد تو، فراموش به

معرفی آثار تاریخی ایران و آشنائی بیشتر و بهتر فرزندان این آب و خاک به یاد کارهای فرهنگی و هنری نیاکان خویش از جمله هدفهای دیرین کآیه علاقمندان و مقامات مربوط بوده مخصوصاً وزارت فرهنگ و انجمن آثار ملی در این باره کوشش بسیار بعمل آورده و می‌آورند و برای انجام این خدمت در سالهای اخیر علی‌الخصوص نسبت به تهیه کتب راهنمای مناسب جهت آثار تاریخی ایران در جلسات ماهیانه هیئت مؤسین انجمن آثار ملی مذاکره و تأکید فراوان شده و میشود .

کتابی که از نظر خوانندگان ارجمند میگذرد بدین منظور تهیه گردیده است که گامی هر چند نارسا در راه نیل باین هدف کلی برداشته شده و با اعتراف به نقص آن اطمینان دارد در آینده برای تکمیل اینگونه خدمات و رفع نواقص موجود در چنین نشریاتی جوانان دانشمند و پرشور میهن عزیزان منظور که لازمه خدمت به آثار باستانی کشورشان هست همت گمارده کارهای ناقص پیشین را بمرحله تکامل نزدیک خواهند نمود و نا کرده‌های فراوانی را که در این راه هست بصورتی بهتر و رساتر انجام خواهند داد .

---

سرزمین پهناور فارس علاوه بر آنکه مهد نخستین شاهنشاهی بزرگ ایران یعنی شاهنشاهی هخامنشی در اواسط قرن ششم پیش از میلاد بوده است از قدیمترین و مهمترین مراکز تمدنهای باستانی این کشور کهن سال بشمار میرود و آثار هنری

و نمونه‌های صنایع ادوار پیش از تاریخ که مربوط به هزارهٔ چهارم پیش از میلاد مسیح به بعد است در سینهٔ تپه‌ها و دل کوهساران و دامان دشت و هامون آن وجود دارد که شمه‌ای از آنها را در کاوشهای علمی گوناگون بدست آورده‌اند (۱)، در دوران عیلامیان نیز همین سرزمین (یا اقل قسمت‌های غربی و جنوبی و مرکز آن) قسمت شرقی کشور عیلام بوده تقوش برجستهٔ آن زمان در کوهستانهای پارس (۲) گواه بسط تمدن عالی اصیل ایرانی و بس قدیمی مزبور در آن سامان است.

بقایای کاخ‌های معظم هخامنشی در پاسارگاد و تخت جمشید و ساختمانها و آرامگاههای گوناگون همان دوران در ویرانه‌های استخر و نقش رستم و قصر ابونصر و فرمشگان و سروان (خاک ممسنی) و گوردختر (سر مشهد) و نشانه‌هایی دیگر از فعالیتها و ساختمانهای آن عهد در نقاط پراکندهٔ فارس (۳) میرساند که سرزمین پارس و مهد شاهنشاهان هخامنشی در دوران این سلسله چگونه راه آبادانی و شکوه و جلال را می‌پیموده است.

پس از آتش‌سوزی اسکندر در تخت جمشید تا طلیعهٔ شاهنشاهی ساسانیان آثار و ابنیهٔ زیادی در خاک فارس سراغ نمی‌رود - بنای مهمی که از عهد اشکانی تا کنون در این استان تاریخی شناخته‌ایم برج نورآباد است و آنچه از روی قرائن برمی‌آید نقش برجستهٔ موجود در قدمگاه واقع در ناحیهٔ کارزین (مذکور در صفحهٔ ۱۰۳ متن کتاب) نیز احتمالاً به عهد اشکانی تعلق دارد که امید می‌رود مانند بسیاری از آثار ناشناس و پوشیده ماندهٔ فارس با کوشش و علاقهٔ عناصر با ذوق مورد بازدید و بررسیهای علمی قرار گرفته وضع آن برخلاف گذشته روشن گردد.

با توجه باینکه بقایای ابنیه و آثار عهد اشکانی که تا کنون در قسمت‌های دیگر کشور ایران مورد اطلاع است بیش از چهار یا پنج عدد نیست طبعاً نبودن آثار چندانی

(۱) بصفحات ۱۴ و ۱۶-۱۸ و ۲۰ و ۴۵-۴۷ و ۸۴ و ۲۲۱ و ۳۱۹ و ۳۶۴-۵ مراجعه شود.

(۲) بصفحات ۳۷ و ۴۰ و ۸-۱۳۷ و ۱۴۲ و ۲۱۹ و ۸-۳۳۴ و ۴۰۰ و ۴۵۱ مراجعه شود.

(۳) بصفحات ۱۷ و ۱۹ و ۴۳ و ۱۰۱ و ۶-۳۶۵ و ۴۱۴ و ۷-۴۱۶ مراجعه شود.



از آن دوران در خاک فارس نیز امری شکفت آور نخواهد بود و ذکر این نکته بخصوص را بمرور میداند که برج نورآباد بشرحی که در متن کتاب توضیح داده شده است (۱) اثر تاریخی منحصر بفرد بس مهمی بشمار میرود و میتوان گفت از میان تعداد انگشت شمار آثار عهد اشکانی در خاک ایران برج نورآباد از لحاظ دقت در ساختمان و استادی که در تراش تخته سنگها و جزم بودن آنها بکاررفته است بنای تاریخی درجه اول محسوب میگردد و چنین اثر برجسته عهد اشکانی موجود در داخل ایران هم که در حال حاضر مورد اطلاع است در خاک فارس قرار دارد و بالاخره این امتیاز نیز به همین سرزمین تعلق مییابد .

در دوران شاهنشاهی ساسانی یکبار دیگر مرز و بوم پارس کانون شاهنشاهی ایران و مرکز عمران و آبادی فراوان واقع میگردد و کاخها و آتشکدهها و نقوش برجسته نواحی مختلف نموداری از همین معنی است که در تلو صفحات کتاب درباره هر کدام آنها در محل خود توضیحاتی بنظر خوانندگان ارجمند میرسد .

راه دریائی ایران و کشورهای خاور نزدیک به هندوستان و چین در عهد ساسانیان از خلیج فارس بود و بندر سیراف (تردیک بندر طاهری) که بوسیله جاده سنگ فرش قدیم بداخل خاک فارس مربوط میگردد (۲) از مهمترین پایگاههای راه مزبور بوده است و با توجه بارتباط بازرگانی شرق و غرب از راه جزیره خارک (۳) در روزگاران قدیم بخوبی میتوان از این بابت هم باهمیت خاک فارس بیش از پیش پی برد .

بنابر آنچه گذشت و بگواهی آثار فخیم و فراوان ادوار با عظمت هخامنشی و ساسانی موجود در خاک فارس بسادگی میتوان دریافت که برای درک تمدن و هنر دورانهای شاهنشاهی پیش از اسلام ایران اقلیم پارس رانه چنان اهمیتی است که بتوضیح و وصف درآید و باستثنای سنگ نبشتهها و نقوش برجسته بیستون و تپه باستانی هگمتانه (همدان) و ویرانههای آپادانای شوش و نبشتههای موسوم به گنجنامه (یا جنگ نامه) در کوه الوند و صفة تاریخی مسجد سلیمان در خوزستان و آتشکده

(۱) در صفحات ۱۳۰ و ۱۳۱ متن کتاب . (۲) به صفحه ۱۰۴ متن کتاب

مراجعه شود . (۳) که در صفحه ۱۴۶ بدان اشاره شده است .

آذرگشنسب تخت سلیمان در آذربایجان و بنای آجری شیوائی که بر فراز کوهستان در محلّ موسوم به **قلعه ضحاک** بر بالای مسیر راه آهن نزدیک ایستگاه خراسانک بین میانه و مراغه واقعست و نقوش برجسته کوهسار **خان تختی** در نزدیکی شاهپور (آذربایجان) و بالاخره آثار تاریخی **طاق بستان**، آنچه از شاهنشاهان هخامنشی و ساسانی در کشور کنونی ایران بنیاد گردیده و مورد اطلاع است در سرزمین فارس قرار داد.

پس از ضعف و انحطاط سلسله ساسانی که با ظهور پرتو اسلام مقارن بود و به انقراض شاهنشاهی سلسله نامبرده منجر گردید در طول چند قرن سرزمین عزیز فارس دستخوش نابسامانی و بی سرانجامی قرار گرفت و بر اثر حملات و هجومهایی که خواه از جانب شمال و مغرب و خواه از راه دریای عمان و خلیج فارس بمهد شاهنشاهان گرانقدر ایران رومیان و آرامش در آن دیار حکمفرما نبود و طبعاً در چنین وضعی امر احداث و آبادانی ابنیه مهم که لازمه آن آسایش و امنیت و رفاه اجتماع است صورت پذیر نمیکشت، با وجود این آثار تاریخی مهم چندی مانند قسمت قدیمی **مسجد جامع عتیق شیراز** (که بخشی از شبستان جنوب غربی مسجد از آن باقیست) و **قلعه استخر** و **بند امیر** از یادگارهای عضدالدوله دیلمی مربوط بقرن چهارم و **مسجد جامع نیریز** از مهمترین ابنیه ایران در همان قرن گواه روح زنده و پایدار مردم فارس در ایجاد ابنیه و آثار جاوانی میتواند بود.

از عهد سلجوقی (قرن پنجم و ششم هجری) ابنیه و اثر قابل ذکری که مورد اطلاع باشد در خاک فارس سراغ نمیرود<sup>(۱)</sup> و در نتیجه ابنیه ممتاز آن دوران نظیر مساجد **جمعه اصفهان** و **قزوین** و **اردستان** و **زوآره** و **گلپایگان** و دیگر مساجد مستحکم و شیوای آن عهد و همچنین برجها و منارههایی مانند آنچه در نقاط مختلف خراسان و دامغان و اصفهان و رضائیه و غیره وجود دارد یا ابنیه‌ای چون **گنبد سرخ** مراغه و

(۱) لازم بتوضیح است که بنای استوار **گنبد علی** یا **گنبد عالی** در ابرقو از بهترین و شیواترین ابنیه قرن پنجم هجری خواه از نظر سبک معماری و خواه از لحاظ علت بنیاد آن بر زمین **دیلم** (در جنوب کیلان) پیوستگی دارد و بدین جهت نمیتوان آنرا را ابنیه محلی و بومی فارس بشمار آورد.

کنبد جبلیه کرمان و نظائر آنها در سرزمین فارس مورد اطلاع نگارنده نیفتاد و دور نیست که با تجسس و تحقیق بیشتر از این قبیل آثار در خاک عزیز فارس هم مشهود گردد و در غیر این صورت باید چنین پنداشت که استان فارس فاقد اینگونه ابنیه و آثار مهم میباشد و طبعاً بین یادگارهای معظم ادوار تاریخی پیش از اسلام و قرون اولیه اسلامی در خاک فارس با آنچه از آثار تاریخی مربوط بادوار بعد از سلجوقی در استان مزبور موجود است حد فاصلی در میان خواهد بود (۱).

(۱) طبق آنچه در گزارش مختصر مربوط به افریقا (نگارش آقای شجاع الدین شفا دبیر کل شورای فرهنگی سلطنتی ایران) مرقوم رفته است پس از حمله اعراب بایران بسیاری از ایرانیان از راه خلیج فارس و دریای هند به قسمتهای شرقی افریقا روی آوردند و علاوه بر آنکه در قسمت کشتی رانی بازرگانی و اموردیگر منشاء خدمات زیاد شدند در اواسط قرن چهارم هجری يك شاهزاده دیلمی از خاندان آل بویه بنام علی بن حسن شاهزاده شیراز باش پسر خود و عده زیادی همراهان از خلیج فارس با هفت کشتی با فریقای شرقی رفت و بنادر و سواحل را یکایک تصرف کرد و یک امپراتوری شیرازی افریقا بنام «زننگ» در آنجا تشکیل داد که عربها بدان «زنج» میگویند این امپراتوری قریب پانصد سال دوام یافت و پایتخت آن کیلواکی سیوانی (Kilwa - Kisiwani) در ۱۵۰ میلی جنوب دارالسلام فعلی بود. بهمین جهت در کتابهای اروپائی این امپراتوری را بنام پایتخت آن امپراتوری «کیلوا» نامیده اند، از منابع مهم اطلاعات مربوط به این امپراتوری کتابی است که یکنفر پرتغالی بنام دبارس (De Barros) در سال ۱۵۲۲ میلادی نوشته طی آن تاریخچه امپراتوری شیرازی افریقا و نام چهل و نه سلطان سلسله شیرازی مزبور را ذکر نموده است.

در موزه بریتانیا نیز سه مجموعه سکه متعلق به سالهای ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی وجود دارد که متعلق به پادشاهان ایرانی افریقا است.

منابع دیگر درباره سلسله مزبور (علاوه بر کتابها و سفرنامه های مربوط به سلسله ایرانی سابق الذکر) خرابه های آثار و ابنیه متعلق به آنها بشمار میرود، از جمله این آثار بقایای مسجد «کیلوا» است که توسط بزرگترین سلطان سلسله نامبرده بنام سلیمان فرزند حسن (۵۵۶ تا ۵۷۵ هجری قمری مطابق با ۱۱۶۱ تا ۱۱۷۹ میلادی) ساخته شده است - همچنین بقایای آثار و ابنیه مختلف در **زنگبار** و جزیره **تومباتو** و **مالیندی** و **موهباسا** که همه را با اسلوب معماری ایرانی ساخته اند.

از بقایای دیگر این آثار ویرانه های کاخی در کنیا (Kenya) است که ظاهراً یکی از قصور سلطنتی سلسله ایرانی نژاد سرزمین مزبور بوده اهالی آنجا نیز نام شهری را که کاخ مورد ذکر در آن قرار داشته است «شیراز» مینامند (علاقه مندان با اطلاعات بیشتر در این باره ممکن است به متن «گزارش مختصر مربوط به افریقا» نگارش آقای شجاع الدین شفا که حاوی مطالب و توضیحات زیادتر در این موضوع بوده در تیرماه ۱۳۴۲ نسخه هائی از آن منتشر گردیده و مطالب سابق الذکر نیز از آن نقل و اقتباس شده است و همچنین به مقاله دانشمند محترم آقای محیط طباطبائی تحت عنوان «شیرازیهای افریقای شرقی» در روزنامه پارس (چاپ شیراز) شماره ۲۷۲۴ مورخ ۱۷/۵/۴۲ مراجعه فرمایند.

در دوران اتابکان که مقارن با قرن هفتم هجری و همزمان با عهد مغول بود و بر اثر طرز سلوک اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی خاك فارس تا حد زیادی از قتنه خانمانسوز مغول ایمن ماند ابنیه متبرک و تاریخی مهمی در شیراز و نقاط دیگر فارس احداث گردید و دنباله آن در دو قرن هشتم و نهم هجری نیز ادامه یافت که زیارتگاهها و بقاع معروف شیراز و بقعه شیخ یوسف در سروستان و ابنیه مختلف در سایر نواحی خاك فارس از جمله همین ابنیه و آثار بشمار میرود .

درباره آثار و ابنیه تاریخی شیراز در قرون هشتم تا دهم هجری ذکر دو نکته زیر را بمورد میداند :

۱- با توجه به وضع ساختمانی حرم‌های مطهر بقاع شاه چراغ و سید میر محمد و آستانه سید علاءالدین ملاحظه میشود که احداث حرم چهارضلعی با چهار شاه نشین طولانی در چهار جانب آن شیوه مخصوص معماری اماکن متبرک و زیارتگاههای معتبر شیراز در قرون هشتم و نهم و دهم هجری بوده است و همین سبک معماری نیز در بعضی از ابنیه دوران زندیه مانند بنای واقع در وسط باغ جهان نما و بنای معروف به کلاه فرنگی (محل موزه پارس) کاملاً بچشم میخورد و این طرح بنا همانست که در تالار بزرگ کاخ عظیم سلطنتی بیشاپور (شاپور کازرون) نمودار میباشد (۱).

۲- بنای خداخانه در وسط صحن مسجد جامع عتیق شیراز (مورخ به سه سال ۷۵۲ هجری) مشتمل بر اطاق مربعی در وسط و ایوانهایی محاط بر چهار جانب آنست و در چهار گوشه خارجی بنا چهار پایه جسیم مدور سنگی بصورت چهارستون سترک یا چهار مناره کوتاه که بلندی آنها هم طراز بابلندی سایر قسمتهای بنا است بنیاد نموده اند (۲) که در عین استوار داشتن لنگه طاقهای ایوانهای چهار جانب موجب زیبایی و تناسب این بنای شیوا گردیده است .

با مختصر آشنائی به نقشه آتشکده‌های ایران در عهد ساسانی میتوان شباهت

(۱) توصیف تالار آن در صفحه ۱۲۲ مذکور و نقشه آن در شکل ۱۸۱ - صفحه ۳۰۳ کتاب

مندرج است .

(۲) صفحات ۶۵ و ۶۶ و ۲۵۱ مراجعه شود .



نقشه خداخانه را با نقشه قسمت مرکزی چنین آتشکده‌هایی دریافت چنانکه در بنای آتشکده بنام آتشکوه (ازابنیه منسوب بدوران اردشیر بابکان واقع در جنوب غربی دلیجان که از جاده دلیجان به محلات پیش از رسیدن به نیماور از راه فرعی دست چپ بدانجا میرسند) اطاق مرکزی و دهلیزهای چهارجانب آن شبیه ساختمان خداخانه بوده ستونها یا پایه‌های چهار گوشه اطاق نیز بصورت نیم‌دائره‌های متکی به پایه سنگی ساخته شده است (۱).

از طرف دیگر بنای خداخانه در قرون بعدی منشاء نوعی معماری گردید که به پیروی از آن مناره کوتاه یا بلندی در هر یک از چهار گوشه بعضی ابنیه احداث نمودند و این سبک معماری بوسیله استادان ایرانی در آثار متعدد اسلامی هندوستان و بخصوص ابنیه بسیار عالی و مهم آگرا (هندوستان) بسیار معمول و متداول شد و نمونه بارزتر از تمام آنها را میتوان آرامگاه اعتمادالدوله (میرزا غیاث‌الدین محمد طهرانی) خزانه دار و صدر اعظم جهانگیر از شهریاران هندوستان (معاصر شاه عباس اول) دانست که در خلال سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۷ هجری بفرمان دخترش نورجهان (همسر جهانگیر سابق الذکر) در آگرا احداث شده است (۲) و بجزئیات میتوان گفت بنای شگرف و زیبا و بی نظیر تاج محل در آگرا که شهرت عالمگیر دارد و چهار مناره بلند در چهار گوشه آن سر با آسمان افراشته است و بر زیبایی و عظمت خیره کننده این شاهکار هنری جهان بس می‌افزاید (۳) نیز از این شیوه معماری اصیل ایرانی بنحو عالی

(۱) برای اطلاع درباره آتشکده‌های ایران و نقشه آنها و از جمله بنای آتشکوه ممکن است به کتاب آثار ایران (نشریه پیشین اداره کل باستان شناسی بزبان فرانسه - جلد سوم - مجلد اول - چاپ هارلم ۱۹۳۸) مراجعه نمایند.

(۲) در این مورد مناسب میداند توجه خوانندگان ارجمند را به توضیحات مربوط به مسجد جامع داراب که طی صفحات ۴۹۳ ببعدهم رقوم رفته است جلب نماید.

(۳) بنای تاج محل از سال ۱۰۴۰ تا ۱۰۵۸ هجری بفرمان شاه جهان (پسر جهانگیر) برای آرامگاه همسرش ممتاز محل شهبانوی ایرانی الاصل و مشهور هندوستان دختر عین‌الدوله آصف‌خان (پسر اعتمادالدوله طهرانی سابق الذکر صدر اعظم جهانگیر) ساخته شده است، طبق آنچه در مجله گلبانگ شماره سوم ضمن مقاله‌ای تحت عنوان «تاج محل - هنر ایرانی در خارج ایران» اشاره رفته است طرح بنای تاج محل «بوسیله یک معمار هنرمند ایرانی بنام استاد عیسی شیرازی (بقیه پاورقی در صفحه بعد)

و بسیار شیوا بر خوردار گردیده است .

این نکته در خور توجه است که نه سازندگان بقاع متبرک شاه چراغ و سیب میر محمد و غیره یا معماران دوران کریمخان زند از نقشه آتشکده بیشاپور (ک) ویرانه‌های آن تا سال ۱۳۱۶ شمسی در دل خاک مدفون بود) اطلاع داشته‌و نه بنیان گذارار بنای خداخانه از طرح و هیئت ساختمانی بنای آتشکوه یا آتشکده‌های دیگر با خبر بوده‌اند و این شباهت ابنیه اسلامی فارس با آثار معماری پیش از اسلام آن استاز تنها بدلیل مداومت سنت معماری و بقای طرح و هیئت ابنیه است که بطور سینه بسینه در نسل‌های متمادی استادان و هنرمندان فارس و فارسی باقی مانده منجر بایجاد اینگونه ابنیه با چنین شباهتها و همانندیها گردیده است (۱) .

ریخته شد . « داخل آن در زیر گنبد عظیم و عالی درون محجر مرمری مشبك فوق العاده عالی و ممتاز دوسنگ قبر مرصع مرمری زیبا بر بالای دوسکوی مرمر مرصع نصب است، بر کنار سنگ قبری که در وسط قرار دارد چنین نبشته شده است «مرقد منور ارجمند بانویگم مخاطب به ممتاز محل توفیت فی سنه ۱۰۴۰» بر کنار سنگ قبر دیگر نیز چنین نگاشته‌اند : «مرقد مطهر اعلی حضرت فردوس آشیانی صاحبقران ثانی شاه جهان پادشاه طاب ثراه سنه ۱۰۷۶ - در شب بیست و ششم شهر رجب سنه هزار و هفتاد و شش هجری از جهان فانی بزمگاه جاودانی انتقال کردند» ، در انتهای حاشیه اطراف درب ورودی حرم تاج محل این کلمات خوانده میشود : «کتبه الفقیر الحقیر امانت خان الشیرازی فی سنه هزار و چهل و هشت هجری مطابق سنه نوزدهم جلوس مبارک» .

اجمالاً میتوان گفت که بنای تاج محل از درون و بیرون گوهر گرانبهای هنر معماری مشترک ایران و هند بوده عشق و شور فراوان شهریار هند به شهبانوی خود آنرا پدید آورده است و علاوه بر آنچه بین ایران و شبه قاره هند از طریق ادبیات و تاریخ مشترك و عوامل معنوی دیگر ارتباط و پیوستگی حاصل بوده و هست آثار معماری نیز چشمه دیگر هم بستگی و علائق دیرین دولت و کشور باستانی بشمار میرود .

(۱) در نزدیکی تپه چغازنبیل در خوزستان بمسافت قریب چهل کیلومتری جنوب شرقی شوش که محل معبد عظیم دوران عیلام بوده بوسیله اونتاش گال (Untash-gal) شهریار معروف عیلام در اواسط قرن سیزدهم پیش از میلاد ساخته شده است بقعه جدیدی بنام سیدصائم قرار داد که مدفن سیدصائم نیای سید کرم مالک و شخصیت محترم آن ناحیه است و منظر خارجی و هیئت کلی این بقعه ساده عیناً مانند آتشکده‌های عهد ساسانی است که بصورت چهارطاقی ساخته باشند و در نظر اول تصور میرود یکی از همان چهارطاقیها باشد ولی چون نزدیک شوند و بداخل آن روند درمی یابند که بنائی تازه است و این شباهت نتیجه بقای سنن و سبکهای ساختمانی قدیم در ذهن استادان محلی و معمر میباشد همچنانکه لغات پارسی باستانی و دری هم در زبانهای محلی بهمین گونه باقی و زنده مانده است .